

تبیین نقش عوامل محیطی و غیر محیطی فضاهای آموزشی در بروز خلاقیت کودک*

فاطمه اولنج**، امید دژدار***، ابوالقاسم یعقوبی****

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۸/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۰/۱۰



چکیده

در سال‌های اخیر، تحقیقات بسیاری انجام شده که از میان عوامل تأثیرگذار در رشد خلاقیت کودک، عواملی مانند شیوه‌های آموزشی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ اما به تأثیر کیفیت فضای معماری در پرورش خلاقیت، کمتر توجه شده است. پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا عوامل محیطی و غیر محیطی مؤثر بر رشد خلاقیت در کودکان را شناسایی نماید. با استفاده از روش کیفی برای دست یافتن به شاخص‌های فضایی طراحی محیط خلاق برای کودک، به بررسی رفتار کودکان و دیدگاه‌های افرادی که پیوسته با آن‌ها در ارتباط هستند پرداخته شد. پس از بررسی مشاهدات و مصاحبه‌ها، تحلیل داده‌های کیفی صورت گرفت سپس دو عامل محیطی و چهار عامل غیر محیطی به‌عنوان متغیرهای مؤثر بر رشد خلاقیت کودکان در نظر گرفته شد و چگونگی ارتباط آن‌ها با موضوع خلاقیت بیان گردید تا بر اساس این نتایج به‌دست آمده، پیشبرد روند طراحی در چنین فضاهایی ممکن شود.

واژگان کلیدی

خلاقیت، کودک، عوامل محیطی و غیر محیطی، فضای آموزشی

* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه با عنوان بررسی نقش عوامل محیطی و غیر محیطی فضاهای آموزشی در بروز خلاقیت کودک در قالب طراحی خانه کودک می‌باشد.

olangefatemeh@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران

*** عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران

**** عضو هیئت‌علمی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

مقدمه

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم به سرعت در حال تغییر است و سرعت این تغییر هرگز به این تندی نبوده است. در این زمان، تفکر خلاق، کلیدی است که امکان مواجهه با مشکلات، تطبیق و درنهایت موفقیت را برای ما فراهم می‌سازد (لامزدین و لامزدین^۱، ۱۳۸۶). در مورد توانایی‌ها و قابلیت‌های کودکان خردسال روزبه‌روز آگاهی‌ها بیشتر می‌شود. اکنون دیگر حقوق کودکان در حفظ و رشد این توانایی‌ها به رسمیت شناخته شده است. هر کودکی حق دارد تفریح و بازی کند و در فعالیت‌های خلاقانه مناسب سنش شرکت کند و در زندگی فرهنگی و هنری سهیم باشد (ماده ۳۱ از حقوق کودکان در سازمان ملل) (دافی^۲، ۱۳۸۴).

روانشناسان کودک همواره حتی به جزئی‌ترین مراحل رشد و حرکات کودک می‌پردازند، اما انگار تمام این اتفاقات در یک فضای خنثی با حدود نامشخص روی می‌دهند. به ندرت صحبت از رنگ می‌شود و حتی کمتر صحبت از فرم دیوارها، درها، پنجره‌ها و... و سازهایی که او را در برمی‌گیرند و محیط زندگی‌اش را می‌سازند. با وجود مطالعات اندک درباره تأثیر معماری بر کودک، واضح است که کودک نسبت به فضاهای ساخته شده، حساس است و از آنجایی که کودکان زنده پندار هستند، با اشیا و عناصری که در محیط اطراف آن‌ها قرار دارند ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند و آن‌ها را زنده فرض می‌کنند و جذب رنگ‌ها، نورها، اشکال، خطوط و عناصر تشکیل دهنده فضای می‌شوند. پس در نتیجه اشکال معمارانه بر روحیه و تخیل آن‌ها تأثیر بسیار می‌گذارد. با توجه به اینکه عمده ویژگی‌های شخصیتی انسان در سال‌های اولیه کودکی شکل می‌گیرد و با توجه به نقش محیط بر انسان، چه به لحاظ واکنش درونی و چه به لحاظ رفتار بیرونی، طراحی محیط کودک باید بر اساس مبانی نظری مبتنی بر ویژگی‌ها و نیازهای کودکان، چگونگی ادراک محیط توسط آنان و با توجه به تأثیر محیط بر رشد همه‌جانبه کودکان صورت پذیرد (موسوی، ۱۳۸۱).

حال آنکه فضاهای آموزشی کودکان در ایران مانند مهدکودک‌ها، فاقد طراحی مناسب کودکان است. اکثر آن‌ها در فضاهای مسکونی و حتی آپارتمان‌ها تأسیس شده و با نقاشی و رنگ‌آمیزی، ظاهراً به محیطی کودکانه تبدیل شده‌اند (شفای و مدنی، ۱۳۸۸). این فضاها نه تنها به رشد کودک در ابعاد مختلف کمک نمی‌کنند، بلکه در بسیاری از موارد باعث پدید آمدن احساس کسالت در کودک می‌شوند، زمینه بروز رفتارهای ناهنجار را در او به وجود می‌آورند و موجب کم‌رنگ شدن خلاقیت‌های ناب کودکان می‌گردند. هدف از این تحقیق، بررسی ارتباط بین عوامل محیطی و غیر محیطی با موضوع خلاقیت، در فضاهای آموزشی کودکان ۳ تا ۶ ساله ایرانی است تا با به‌کارگیری اصول حاصل در طراحی فضاهای مختص کودکان، انگیزش کودک برای بازی ارتقا یافته، قدرت تخیل و کنجکاوی او افزایش یابد و خلاقیت در کودک افزون شود.

مروری بر پیشینه تحقیق

اکنون در آغاز هزاره سوم به جرأت می‌توان گفت خلاقیت همان چیزی است که زندگی مدرن بشر متمدن را از زندگی ابتدایی انسان نخستین جدا می‌کند. خلاقیت همواره مفهومی پیچیده بوده است و نظریه‌ها و تعاریف گوناگونی که تاکنون درباره آن ارائه شده است، غالباً هر کدام جنبه‌ای خاص از آن را مورد تأکید قرار داده‌اند (افشارکهن و عصاره، ۱۳۹۰). در ذیل تعدادی از تعاریف بیان می‌گردد:

«فرآیندی که دربرگیرنده تفکر و واکنش است و انسان با تجارب گذشته‌اش ارتباط برقرار می‌کند، به محرک‌ها (اشیاء، نشانه‌ها،

مفاهیم، افراد، موقعیت‌ها) و معمولاً دست‌کم یک مجموعه منحصر به فرد واکنش نشان می‌دهد.» (Parnes, 1963).

خلاقیت از فعل خلق کردن به معنای آفریدن و به وجود آوردن اقتباس شده است (عمید، ۱۳۷۶).

خلاقیت یا آفرینندگی فرآیند ذهنی کشف ایده‌ها و مفاهیم، یا آمیزش ایده‌ها و مفاهیم موجود است که توسط فرآیند بینش خودآگاه یا ناخودآگاه تحریک می‌شود. در واقع خلاقیت یعنی به‌کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد تبلور یک فکر یا مفهوم جدید که برخی نیز آن را به ترکیب ایده‌ها یا ایجاد پیوستگی بین ایده‌ها تعبیر نموده‌اند.

تورنس^۳ (۱۹۶۲) خلاقیت را به‌عنوان مسئله‌گشایی مدنظر قرار داده است. به نظر وی تفکر خلاق مختصراً عبارت است از «فرآیند حس کردن مسائل یا کاستی‌های موجود در اطلاعات، فرضیه‌سازی درباره حل مسائل و رفع کاستی‌ها، ارزیابی و آزمودن فرضیه‌ها، بازنگری و بازآزمایی آن‌ها و سرانجام انتقال نتایج به دیگران (سیف، ۱۳۸۶ به نقل از تورنس ۱۹۶۲)

1 -Lamezdin

2 -Doufi

3 -Torrance

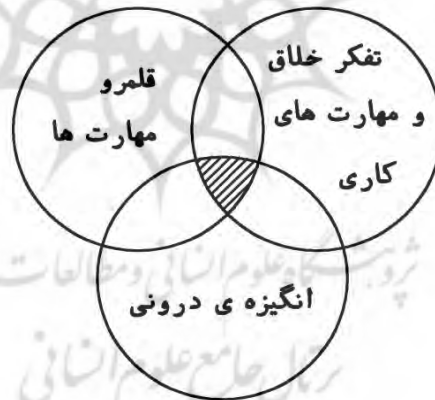
«فرهنگ توصیفی روانشناسی شناخت» در تعریف خلاقیت می‌نویسد: «خلاقیت به توانایی پیدا کردن راه‌حل‌های نامتعارف و باکیفیت بالا برای مسائل اطلاق می‌شود (آیسنک^۱، ۱۳۷۹).

خلاقیت کودک: هر چیزی که کودک انجام می‌دهد و یا می‌گوید، می‌تواند خلاق به حساب آید در صورتی که دو ضابطه را تأمین نماید. اول آنکه باید اساساً با کارهایی که کودک قبلاً انجام داده و تمام چیزهایی که قبلاً دیده و یا شنیده است متفاوت باشد. دوم آنکه فقط نباید متفاوت باشد بلکه باید صحیح بوده، در جهت رسیدن به یک هدف مفید باشد و به طریقی برای کودک جذاب و معنی‌دار باشد. اغلب روانشناسان که در زمینه خلاقیت مطالعه می‌کنند این دو ضابطه را تازگی و مناسبت عنوان می‌کنند.

معیار تازگی کاملاً ساده است. رفتار کودک نمی‌تواند فقط تقلید یا گزارش چیزی که قبلاً دیده است باشد یعنی در محدوده رفتاری کودک باید تا حد زیادی تازه باشد. به منظور قضاوت درباره تازگی کار کودک باید اطلاعاتی در مورد آگاهی و تجربه گذشته کودک داشته باشیم معیار مناسبت پردردستر است. این واژه به منظور رد کردن رفتارهایی که صرفاً عجیب هستند مورد استفاده قرار می‌گیرد. ابداع به تنهایی، کنش و یا ایده‌ای را خلاق نمی‌کند. مناسبت نیز عامل دیگری است. از آنجاکه کنش خلاق، پاسخی به موقعیت ویژه هست، بنابراین باید مشکلی را حل کند و یا موقعیتی را که باعث پیدایش آن شده است، روشن سازد (آمابلی^۲، ۱۳۸۸).

محل تقاطع خلاقیت: فرهنگ ما تأکید زیادی بر هوش، استعداد، مهارت و تلاش جدی می‌گذارد. مطمئناً همه این‌ها حائز اهمیت هستند؛ اما فقط دوسوم فرمول خلاقیت را تشکیل می‌دهند و یک‌سوم بقیه انگیزه درونی می‌باشد.

برای کمک به کودکان در جهت نیل به خلاق‌ترین مرحله ممکن، برای آن‌ها کافی نیست مهارت‌ها را به آن‌ها آموزش دهیم یا فرصت‌هایی برایشان به وجود آوریم تا استعدادهایشان را گسترش دهند. همچنین کافی نیست عادات خوب کار کردن را به آن‌ها بیاموزیم. باید به آن‌ها کمک کنیم تا نقاطی را که علایق و مهارت‌هایشان منطبق می‌گردند یعنی محل تقاطع خلاقیت خود را تشخیص دهند. در این محل قلمرو مهارت‌های کودک و مهارت‌های تفکر خلاق وی بر روی علایق درونی وی منطبق می‌شوند. این ترکیب پر قدرتی است زیرا جایی است که کودک به احتمال بسیار زیاد خلاق خواهد بود (آمابلی، ۱۳۸۸).



تصویر ۱- آمابلی، ۱۳۸۸: ۷۸

تأثیر بازی در پرورش خلاقیت کودکان: پژوهش‌های روانشناسی و تعلیم و تربیت، بیانگر آن است که آغاز خلاقیت کودکان در سنین آمادگی و پیش از دبستان است. در این سنین ارتباط تازه‌ای میان تفکر و عمل کودکان پدیدار می‌گردد و کودک برای شناخت عجایب و شگفتی‌های محیط پیرامونش تلاش بسیاری را می‌نماید. این فراگیری و شناخت بیشتر از طریق تجربه عملی صورت می‌پذیرد. این تجربه عملی - یا بازی - یکی از اعمال روزمره زندگی هر کودک است و کوششی است که به تمام وجود او بستگی دارد. بدون تردید می‌توان گفت که بازی بهترین شکل فعالیت طبیعی هر کودک محسوب می‌گردد و مناسب‌ترین راه برای رشد استعداد او به شمار می‌رود. در هنگام بازی نیروهای ذهنی و جسمی کودک (نظم، حافظه، تخیل، توانایی جسمانی و...) رشد می‌یابند و بازی برای کودک، محرک و انگیزه‌ای می‌شود در جهت کسب تجارب اجتماعی (انگجی و عسگری، ۱۳۸۵).

نقاشی و زندگی عاطفی کودک: از آنجاکه با هر تجربه‌ای که کودک کسب می‌کند، دید او وسیع‌تر و رشد مغزی او پرورده‌تر می‌شود، قاعدتاً باید وسعت دید کودک که تجارب زیادی در راه‌های مختلف کسب کرده، کامل‌تر و غنی‌تر از وسعت دید کودک باشد

1 -Eysenck
2 -Amabile

که در محیطی بی‌تحرک و تهی زندگی می‌کند. کودک نسبتاً خیلی زود متوجه می‌شود که رسم و نقاشی وسیله بیانی است که با افکار او مطابقت می‌کند و او را در تخیلاتش آزاد می‌گذارد و درعین حال لذت سرشاری برای او فراهم می‌آورد. علاوه بر آن، نقاشی کردن به او امکان می‌دهد که افکار درونش را یا به‌عبارت‌دیگر خویشتن خودش یعنی تأثرات خاطر و فرهنگ محیطش را نشان دهد. تخیلات هنری هم مانند خواب و رؤیا در ژرفای ضمیر ناخودآگاه هر کس به جستجو می‌پردازد و ژرف‌ترین محتویات درونی فرد را متظاهر می‌سازد. کودک به کمک نقاشی، کشمکش‌ها و دلهره‌های درونی‌اش را آشکار می‌کند و بدین طریق، اثر آن‌ها را کاهش می‌دهد (اولیوریو فراری^۱، ۱۳۶۷).

به‌کارگیری رنگ: اشخاص خلاق‌تر بیشتر موفق به عرضه ترکیبات جدید در رنگ می‌شوند و می‌توانند آثاری مبتکرانه ارائه دهند. هر کس می‌تواند از رنگ به دو طریق استفاده کند: یکی نمونه‌سازی طبیعی عینی مثلاً از دریا به رنگ آبی و آفتاب به رنگ زرد و چمن به رنگ سبز (شکل ۲) و طریق دیگر استفاده از رنگ‌هایی که به‌طور ناخودآگاه به ذهن متبادر می‌شوند و قانون و قاعده خاصی ندارند. این نوع استفاده از رنگ است که افکار و شخصیت خالق آن را نمایان می‌سازد و نباید آن را سرکوب و خرد کرد. (شکل ۳) در مورد کودکان تخیلات و حالت‌های عاطفی است که تعیین‌کننده انتخاب رنگ‌هاست و نه حقیقت بیرونی. همچنین، کودکان امکانات محدود رنگ را حقیر می‌دانند و از آن البته به‌طور ناشیانه و معصومانه‌ای که نشانگر فقدان دانش هنری آن‌هاست، استفاده می‌کنند (اولیوریو فراری، ۱۳۶۷).



تصویر ۳- استفاده از رنگ‌ها به صورت ناخودآگاه و بدون قاعده - مأخذ: اینترنت



تصویر ۲- استفاده از رنگ به صورت نمونه سازی طبیعی عینی- مأخذ: مهدکودک مورد مطالعه

رشد استعداد موسیقی و رقص: رقص شکل هنری حرکت است. حرکت وقتی همراه با خلاقیت و تخیل باشد مبدل به رقص می‌شود. هرچند که رقص توأم با حرکت است ولی هر حرکتی رقص محسوب نمی‌شود (دافی، ۱۳۸۴ به نقل از Davies, 1995). در رقص بدن وسیله است و برای این که کودکان بتوانند از این وسیله به‌طور کامل استفاده کنند به فرصت‌هایی نیاز دارند که گستره‌ای از اعمال و حرکات را تمرین کنند. حرکت واکنشی طبیعی به موسیقی است و کودکان شیرخوار با حرکاتی به موسیقی واکنش نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد که نمی‌توانند بی‌حرکت بمانند.

مؤثرترین روش برای برآورده کردن نیازهای تک‌تک کودکان از طریق تجاربی است که مناسب با رشد آن‌هاست؛ مانند همه جنبه‌های رشد کودکان، شخصیت و آمادگی کودکان در چگونگی واکنش آنان به امکاناتی که برایشان فراهم می‌شود تأثیر می‌گذارد. بعضی از کودکان از جنبه‌های خاصی از بازی تخیلی، یا بازنمایی‌های دو و سه‌بعدی یا موسیقی و رقص بیشتر از کودکان دیگر لذت می‌برند. ولی نگرش و دانش بزرگسالان اطراف آن بسیار مهم است. اگر در اطراف آنان بزرگسالان مطلعی باشند و به آنان این پیام را القا کنند که خلاقیت و تجارب تخیلی بالارزش و لذت‌بخش‌اند، رشد کودکان افزایش می‌یابد (دافی، ۱۳۸۴).

روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش تحقیق کیفی بهره گرفته شده است. تحقیق کیفی، ماهیت چند روشی دارد که رویکردی تفسیری - طبیعت‌گرا به موضوع موردنظر را شامل می‌شود (گروت و وانگ^۲، ۱۳۹۰). تحقیق کیفی بر حساسیت محتوا استوار است. این مفهوم بیانگر این عقیده است که محیط فیزیکی و اجتماعی، تأثیر زیادی بر رفتار انسان دارد (دلاور، ۱۳۹۰).

1 -Ferraris

2 -Groat and Wang

بر این اساس، در این پژوهش پس از مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی نمونه مشابه پرداخته شد و مقولاتی از مشاهدات و مصاحبه‌های صورت گرفته به دست آمد. پس از تحلیل کیفی داده‌ها، شاخص‌های مرتبط با موضوع استخراج گردید.

مطالعه موردی

در این بخش محقق به بررسی یکی از مهدکودک‌های شهر همدان پرداخته و مشاهدات و مصاحبه‌های خود را ثبت نموده است که با تحلیل داده‌های به دست آمده، پیشنهاد اصول و مدل طراحی میسر شده است.

جدول ۱- دسته‌بندی مقولات استخراج شده

ردیف	پرسش‌های مطرح شده و مشاهدات صورت گرفته	پاسخ‌های دریافت شده
۱	پرسش از رفتار بچه‌ها و میزان علاقه آنان به ماندن در فضای مهدکودک	کودکان علاقه‌مندند در فضای باز به فعالیت بپردازند. فضایی که برای آنان محدودیت ایجاد نکند و درعین حال احساس امنیت به وجود بیاورد.
۲	کودک محور بودن فضا	کودکان هم به انجام کارهای گروهی علاقه نشان می‌دهند و هم فعالیت‌های انفرادی، به این دلیل می‌توانند خودشان تعیین‌کننده نوع فعالیت در فضا باشند و بر این اساس کیفیت فضا را تغییر دهند.
۳	متراژ و کاربری فضاها	متراژ فضا متناسب با فعالیت‌های کودک در نظر گرفته شده است و کودکان گاهی می‌توانند فضاها را متناسب با برنامه‌های آموزشی تغییر دهند. شکل فضای داخلی را می‌توانند با تزئینات تغییر دهند؛ مانند استفاده از آثار خود کودکان و آثار هنرمندان برجسته در تزئین فضا. (شکل ۴ و ۵)
۴	ایمنی و استانداردها	کودکان استانداردهای خود و فضاهایی متناسب با ابعاد خود را طلب می‌کنند. همچنین بهره‌گیری از نور مناسب، استفاده از مصالح متناسب با استانداردهای کودک و ... در قسمت‌هایی از این مهدکودک، استانداردهای لازم لحاظ نشده است؛ مانند حیاط با کف موزاییک و یا عدم وجود نور مناسب در برخی فضاها. (شکل ۶)
۵	وسایل بازی	محدود بودن وسایل بازی در فضای مهدکودک. کودکان از طراحی فضایی برای بازی با هم‌چین و همچنین در نظر گرفتن تپه‌های شنی و حوضچه شن برای تخریب و ساختن و به وجود آمدن حس ماجراجویی استقبال می‌کنند. (شکل ۶ و ۷ و ۸)
۶	مناظر اطراف ساختمان	وجود فضای سبز در اطراف ساختمان که گاهی برای تفریح کودکان از آن استفاده می‌شود.
۷	استفاده از گیاهان و باغبانی	استفاده از گیاهان، حضور طبیعت، ایجاد امکان باغبانی و کشاورزی (به صورت محدود)، استفاده از باغچه، گلدان و آب‌نما.
۸	نگهداری حیوانات	امکان برقراری ارتباط نزدیک با حیوانات (با در نظر گرفتن استانداردهای لازم)



تصویر ۶- حیاط مهدکودک و قرارگیری وسایل بازی متناسب با تعداد و فعالیت کودکان



تصویر ۵- فضای غذاخوری، ابعاد آن بدون در نظر گرفتن استانداردهای لازم



تصویر ۴- کلاس‌ها، متناسب با برنامه آموزشی



تصویر ۸- سرسره و استخر توپ در فضای داخلی مهد



تصویر ۷- فضای بازی - چادرهای عروسکی شکل و سه چرخه بازی (محدودیت فضا)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱- متغیرهای مؤثر بر روند رشد خلاقیت: بر اساس مطالعات صورت گرفته و مشاهدات و مصاحبه‌های انجام‌شده، دو عامل محیطی و چهار عامل غیر محیطی به‌عنوان متغیرهای مؤثر در روند رشد خلاقیت کودکان در نظر گرفته شد:

۱-۱- عوامل محیطی مؤثر بر روند رشد خلاقیت:



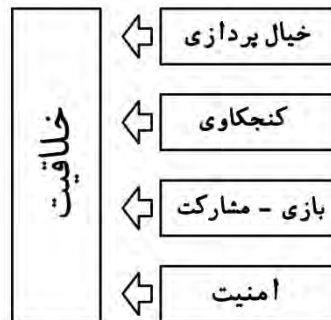
تصویر ۹- تغییرهای مؤثر بر خلاقیت

۱-۱-۱- **عناصر طبیعی محیطی:** می‌توان با استفاده از عناصر طبیعی مانند آب، نور، گیاه و مانند آن در فضای آموزشی کودکان، کنجکاوی و انگیزش کودک برای خیال‌پردازی و بازی را افزایش داد. مثلاً استفاده از شیشه‌های رنگی (که منجر به تولید رنگ‌های مختلف طیف نور می‌گردد) ممکن است کنجکاوی کودک را تحریک کند. در این حالت، وجود نور که یک عامل طبیعی است محرک کودک هست. همچنین بازی با آب می‌تواند انگیزه حضور کودک را ارتقاء بخشد. در این حالت آب که عاملی طبیعی است محرک کودک است. از این رو عناصر طبیعی را می‌توان تحریک‌کننده دانست. (شفایی و مدنی، ۱۳۸۸)

۱-۱-۲- **شکل و وسعت فضاها:** شکل و اندازه فضاها می‌تواند زمینه‌ساز تجمع افراد شود و گروه‌هایی برای تعاملات و روابط اجتماعی پدید آورد. میزان و نوع ارتباطات گروهی در روند خلاقیت تأثیر مثبت دارد. پس طراحی فضا (از نظر شکل، اندازه و عملکرد) طوری که میزان ارتباطات را افزایش دهد و بر کیفیت این تعاملات تأثیر مثبت داشته باشد، بر رشد خلاقیت نیز تأثیرگذار است. با تغییر

شکل فضا می‌توان عملکردها را انعطاف‌پذیر کرد. منظور از انعطاف‌پذیری عملکردها آن است که بتوان یک فضا را متناسب با برنامه‌های آموزشی با تغییرات جزئی برای منظوره‌های مختلف به کار برد. (شفایی و مدنی، ۱۳۸۸)

۱-۲- عوامل غیر محیطی مؤثر بر روند رشد خلاقیت:



تصویر ۱۰- عوامل غیر محیطی مؤثر بر روند رشد خلاقیت

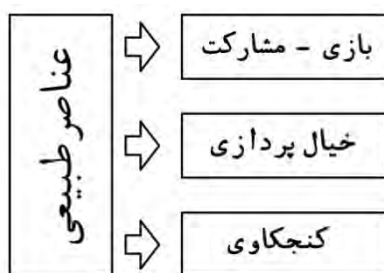
۱-۲-۱- خیال‌پردازی: مرتبط با انگیزش کودک برای خیال‌پردازی در شرایط مختلف است. در واقع خیال‌پردازی نوعی تخیل است و در خیال‌پردازی آنچه در خیال می‌آید چندان شباهتی به جهان واقعی ندارد. کودک خود را از جهان ملموس جدا کرده و به فراسوی موقعیت‌های عینی پیش می‌رود. عمل و اشیا را از معنایشان در جهان واقعی جدا می‌کند و معنای تازه به آن‌ها می‌بخشد، وانمود می‌کند و آنچه وجود ندارد اما می‌تواند موجود باشد را می‌سازد. (دافی، ۱۳۸۴)

۱-۲-۲- کنجکاوی: منظور از کنجکاوی، ایجاد سؤال و تلاش برای یافتن پاسخ توسط کودکان است. در واقع هدف از کنجکاوی جست‌وجوی یک پدیده جدید است. بچه‌ها از طریق کنجکاوی و جست‌وجو در حال آموختن هستند. تقویت جنبه کنجکاوی بچه‌ها اثرات سودمندی در موفقیت و سعادتشان خواهد داشت.

۱-۲-۳- بازی - مشارکت کودک: این عامل با میزان مشارکت کودک (در قالب بازی) برای هرگونه تغییر در فضا مانند همکاری در کاشت گیاهان، نقاشی روی دیوار و همکاری در تغییر مبلمان فضا مرتبط است. مثلاً ممکن است کودک در قالب بازی با کمک مربی، چیدمان کلاس را جابه‌جا کند. در این حالت هم‌تغییر لازم در فضا ایجاد شده است و هم کودک آن تغییر را ایجاد نموده است؛ بنابراین منظور از «بازی - مشارکت» تنها سرگرمی نیست؛ بلکه مشارکت هدفمند کودک در قالب بازی کردن موردنظر است. (شفایی و مدنی، ۱۳۸۸)

۱-۲-۴- امنیت: منظور از امنیت آن است که کودک آن‌قدر فضا را امن بداند تا به خود اجازه خطر کردن و حتی اشتباه کردن بدهد و اشتباه کردن را دوست بدارد زیرا از این طریق می‌تواند به انجام کارهای جدید بپردازد که تا قبل از آن انجام نداده است. اگر کودک در فضا احساس امنیت نکند، محتاطانه رفتار کرده و خلاقیت در وی کمرنگ می‌شود؛ زیرا خلاقیت، کاری همراه با خطر و آشفتگی است که نیاز به محیطی دارای امنیت دارد تا بتواند رونق بگیرد. در صورت وجود امنیت، کودک به خود اجازه کنجکاوی و کنکاش می‌دهد چون می‌داند خطری او را تهدید نمی‌کند. می‌تواند مسیری را انتخاب کند که برای او جدید است و کاری را انجام دهد که تا قبل از آن انجام نداده و با خاطری آسوده خیال پردازی کند. در غیر این صورت جسارت انجام یک کار جدید را از دست می‌دهد.

۲- تأثیر «عناصر طبیعی» بر «بازی - مشارکت»، «خیال‌پردازی» و «کنجکاوی» کودک



تصویر ۱۱- تأثیر «عناصر طبیعی» بر «بازی - مشارکت»، «خیال‌پردازی» و «کنجکاوی» کودک

امکان بازی با آب، کاشت گیاه توسط خود کودک، بازی با نور و سایه، بازی با شن و مانند آن، علاوه بر آن که در ارتقاء انگیزش و آزادسازی هیجانات کودک مؤثر است، بستر مناسبی برای مشارکت کودک در فعالیت‌های گروهی محسوب می‌شود. بازی به خیال‌پردازی کودک کمک می‌کند و قدرت خلاقیت کودکان نیز به خیال‌پردازی آنان وابسته است. نیز، مشارکت کودکان در فعالیت‌های گروهی در رشد خلاقیت کودک مؤثر است. با ایجاد فضای امن و مناسبی جهت بازی با مواد طبیعی مانند شن، خاک و آب و یا فضایی برای کاشت گیاهان توسط خود کودک، می‌توان زمینه بازی کودک و مشارکت او را در بازی‌های گروهی فراهم نمود. کنجکاو، با میل به دانستن و ایجاد سؤال برای کودک همراه است. وجود اختلاف در شکل ظاهری عناصر طبیعی (آب، نور، گیاه و مانند آن) و امکان به‌کارگیری آن‌ها به شیوه‌های مختلف، می‌تواند برای ذهن جستجوگر کودک سؤال ایجاد کند و زمینه کنجکاو او را فراهم نماید. گیاهان با شکل، رنگ و اندازه گل و برگ گوناگون در فصول مختلف به تنوع فضا کمک می‌کند یا وجود رنگ‌های مختلف طیف نور با استفاده از شیشه‌های رنگی و یا ایجاد حوض، فواره، آبشار و آکواریوم در تنوع فضا مؤثر است. بدین ترتیب می‌توان در طراحی فضای مهدکودک و سایر فضاهای ویژه کودکان از تفاوت‌ها و تنوع‌های پدید آمده توسط عناصر طبیعی بهره جست. (شفایی و مدنی، ۱۳۸۸)

۳- تأثیر «شکل و وسعت فضاها» بر «بازی - مشارکت»، «کنجکاو»، «خیال‌پردازی» و احساس «امنیت» در کودک

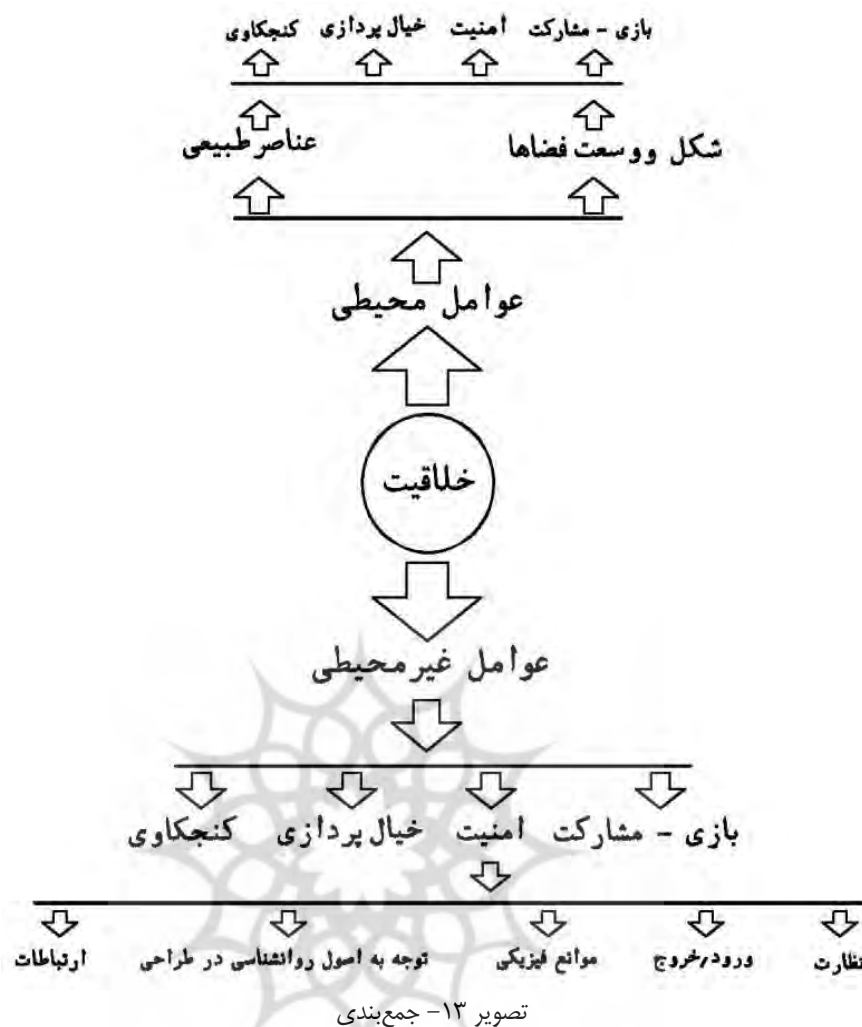


تصویر ۱۲- تأثیر «شکل و وسعت فضاها» بر «بازی - مشارکت»، «کنجکاو»، «خیال‌پردازی» و احساس «امنیت» در کودک

شکل و وسعت فضا متغیری تعیین‌کننده در شکل‌گیری فعالیت‌هاست. اینکه کودکان به‌صورت فردی یا گروهی بازی کنند و چگونه با یکدیگر مشارکت داشته باشند، بستگی زیادی به شکل فضا دارد. درعین‌حال پیچیدگی‌هایی که در فضا وجود دارد حس کنجکاو در کودک به وجود می‌آورد تا در فضا به کنکاش و کشف بپردازد. در صورتی که شکل فضا برای او سؤال به وجود آورد، او از تخیل خود استفاده می‌کند، به دنبال پاسخ سؤال می‌گردد و حس کنجکاو او بیشتر تقویت می‌گردد. درعین‌حال پیچیدگی فضا نباید آن‌قدر زیاد باشد که کودک نتواند جهت‌یابی کند و در فضا گم شود؛ زیرا این مسئله در وی ترس و واکنش ایجاد می‌کند و انگیزه او را برای جستجوی بیشتر از بین می‌برد و خلاقیت وی کمرنگ می‌شود.

از دیگر شرایط دلپذیری محیط، تأمین وضوح و خوانایی است. کوین لینچ می‌گوید: تصویری شایسته از محیط به شخص نوعی احساس امنیت می‌دهد (Lynch, 1992). وی همچنین غرض از داشتن تصویر روشن از محیط را چنین عنوان می‌کند که فرد بتواند به‌آسانی اجزای محیط را بشناسد و آن‌ها را در ذهن خود در قالبی به‌هم‌پیوسته ارتباط دهد. در واقع، سامان‌یافتگی و امنیت روانی حاصل از این دو فرآیند است که احساس دلپذیری را در محیط ایجاد می‌کند.

در نهایت می‌توان تمامی عوامل مؤثر را این‌گونه جمع‌بندی نمود:



منابع

- آیسنگ، م. (۱۳۷۹). فرهنگ توصیفی روان‌شناسی شناختی. ترجمه: علینقی خرازی و همکاران. تهران: نشر نی.
- مابلی، ت. (۱۳۸۸). شکوفایی خلاقیت. ترجمه: حسن قاسم‌زاده و پروین عظیمی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات دنیای نو.
- افشارکهن، ز و عصاره، ع. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش خلاقیت به معلمان بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی استان خراسان در سال تحصیلی ۸۸-۸۹. فصلنامه علمی- پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، سال اول، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۲.
- انگجی، ل. و عسگری، ع. (۱۳۸۵). بازی و تأثیر آن در رشد کودک. تهران: انتشارات طراحان ایماژ.
- اولیوریو فراری، آ. (۱۳۶۷). نقاشی کودکان و مفاهیم آن. ترجمه: عبدالرضا صرافان. تهران: انتشارات نگاه.
- دافی، ب. (۱۳۸۴). تشویق خلاقیت و تخیل در کودکان. ترجمه: مهشید یاسائی، تهران: انتشارات ققنوس.
- دلاور، ع. (۱۳۹۰). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر ویرایش.
- سیف، ع. (۱۳۸۶). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: انتشارات دوران، چاپ ششم.
- سفای، م. و مدنی، ر. (۱۳۸۸). اصول طراحی فضای آموزشی کودکان بر اساس مدل خلاقیت. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، سال چهارم، جلد ۴، شماره ۳.
- عمید، ح. (۱۳۷۶). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم.
- گروت، ل. و وانگ، د. (۱۳۹۰). روش تحقیق در معماری. ترجمه: علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- لامزدین، ا. و لامزدین، م. (۱۳۸۶). حل خلاق مسئله. ترجمه: بهروز ارباب شیرانی و بهروز نصر آزادانی. تهران: ارکان دانش.
- موسوی، م. (۱۳۸۱). کانون پرورش خلاقیت و استعدادهای کودکان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
- Davies, M. (۱۹۹۵). Helping Children to Learn Through a Movement Perspective. London: Hodder and Stoughton.
- Lynch, M. (1992). Craetion Myths. London: West London Institue of Higher Education.
- Parnes, S. (۱۹۶۳). Development of individual creative talent, in C. W. Tylor and F. Barrons (Eds) Scientific Creativity: Its Recognition and development. New York: Wiley.

